

## چنین «گویند» بزرگان در مراسم مجازی بزرگداشت نجف دریابندری

# نجف از هفت خوان گذشته بود

✎ [نیره خادمی] سکنه‌های پی‌درپی آسیب زیادی به مغز وارد کرده بود، قدرت تکلم را از دست داده بود و دیگر یارای خواندن، ترجمه‌کردن و نوشتن نداشت، اما آنچه در هر دیدار و به‌ویژه در آن دیدارهای هفتگی جمعه شب‌ها پزشکی نجف دریابندری را بهت زده می‌کرد، ارتباط معنادار و عاطفی او با اطرافیانش بود بدون آنکه قدرت بیان کلامی داشته باشد، بتواند نویسد یا بخواند. دو هفته پس از فوت دریابندری، پسرش سهراب در لایو اینستاگرام خانه هنرمندان ایران میزبان رفقای پدر، حرفه‌ای‌های ترجمه و نشر و پزشک قدیمی مادر و پدر بود. هنرمندان و دوستان از خصوصیات اخلاقی و ویژگی‌های نوشتاری نجف در سال‌های سلامتی‌اش گفتند، محمود دولت‌آبادی و محمدعلی موحد پیام تصویری فرستادند. پزشک دریابندری در مورد روزها و سال‌هایی صحبت کرد که مرد دریاها به لحاظ جسمی روبه‌راه نبود.

نجل رحیمی در یک دوره درمانی طولانی مدت توانسته است تظاهرات بالینی پدر سهراب را زیر نظر بگیرد و البته معتقد است که مشاهداتش درباره سال‌های بیماری فهمیه راستکار، همسر دریابندری هم تقریباً همین‌طور بوده است. «در دوره بیماری هم از هر دو یاد گرفتیم. فهمیدم فرهنگ و آموزشی که مغز می‌بیند در سال‌های طولانی قطور در ساختار مغز نفوذ می‌کند. وقتی ساختار مغز آسیب ببیند، فرد قادر است توانایی‌هایی را از خود نشان دهد و این حالت در فرد دیگر که چنین کارکنشگی و تعلیمی ندارد، دیده نمی‌شود. افرادی مثل نجف با عبور از دالان‌های متعدد زندگی وقتی به انتها می‌رسند، انگار آن تجربیات، خود را در بیماری آنها هم نشان می‌دهند. برای فردی که با سکنه‌های متعددی روبه‌رو بوده که اغلب زوال را به همراه دارد، سخت است که شخصیت خود را حفظ کند، اما نجف از نظر اجتماعی و هیجانی توانست خود را حفظ کند. در جلسه‌های جمعه ارتباط عاطفی زیبایی با اطرافیانش داشت که انگار آگاهانه بود و شعور زیرپوستی را در او نشان می‌داد. پس از آن همه بلایای که بر سر مغز آمده بود، لایه‌های پایینی مغز که بر اثر تجربیات بسیار وسیع فرهنگی و اجتماعی به‌وجود آمده بود، خود را حفظ کرده بود. او بدون توان ارتباط کلامی یا نوشتاری و حتی ارتباط از طریق خواندن، از پنجره‌های عاطفی مغزش با اطرافیانش ارتباط معناداری داشت، در عین شناختن شرایط اما نمی‌توانست خود را بیان کند. این حرف‌ها شاید ناراحت‌کننده باشد، اما باعث شادی هم هست، چون نفس زندگی، در لحظاتی که شاید اواخر آگاهی او بود، هنوز در ارتباطات اجتماعی‌اش جریان داشت. چنین توانایی فقط از ارتباط کلامی یا با شخصیتش را یافته است: «برای ساخت خانه‌اش وقت زیادی با او گذراندم تا بفهمم دقیقاً چه می‌خواهد. خواسته نجف از یک خانه فراتر از تصور معمول بود و او می‌خواست در خانه‌اش انواع سرگرمی‌ها را فراهم کند. اهل تعقل بود و می‌دانست دقیقاً قطور برخورد کند. سفارش دهنده‌های زیادی در طول این چند سال که من کار ارجاع کردند، اما استثنایی بود. او به یاد داد که بُعد مثبت خانه‌نشینی را ببینم و بتوانم به تنهایی خودم خوکم.»

### به من یاد داد چگونه با تنهایی خودم خوب‌گیرم

ایرج کلانتری، معمار و رفیق دیرینه نجف دریابندری خاطرات زیادی از او دارد، به‌ویژه اینکه یک بار هم از نجف سفارش کار برای ساخت خانه‌اش در چهرازی را گرفته است، خانه‌ای که سال‌ها محل رفت‌وآمد بزرگان زیادی از فرهنگ و هنر ایران بوده است. او معتقد است که در معاشرت‌های طولانی با نجف گوشه‌های پنهان زیادی از شخصیتش را یافته است: «برای ساخت خانه‌اش وقت زیادی با او گذراندم تا بفهمم دقیقاً چه می‌خواهد. خواسته نجف از یک خانه فراتر از تصور معمول بود و او می‌خواست در خانه‌اش انواع سرگرمی‌ها را فراهم کند. اهل تعقل بود و می‌دانست دقیقاً قطور برخورد کند. سفارش دهنده‌های زیادی در طول این چند سال که من کار ارجاع کردند، اما استثنایی بود. او به یاد داد که بُعد مثبت خانه‌نشینی را ببینم و بتوانم به تنهایی خودم خوکم.»

### موتور صنعت چاپ کشور را به راه انداخت

مدیر نشر چشمه و ناشر کتاب گور به گور ویلیام فاکتور به ترجمه نجف دریابندری هم از زمانی گفت که دریابندری مدیریت موسسه فرانکلین را برعهده داشت. «او بخش ویراستاری را با نخبگان درجه یکی در این موسسه راه‌اندازی کرد. درواقع مدیریت دریابندری مثل موتور کوچکی بود که موتور بزرگ صنعت نشر ایران را به راه انداخت، به‌ویژه اینکه جمعیت دانشگاهی ایران افزایش یافته بود و ضرورت چنین کاری دیده می‌شد. «از انتخاب و وارد کردن کتاب‌های مهم خارجی برای ترجمه تا احاطه زیاد به زبان فارسی و راه‌اندازی چاپ کتاب‌های جیبی با قیمت مناسب، موضوعات جالب و تیراژهای بالا مهم‌ترین اقدامات دریابندری در فرانکلین بود که حسن‌کیابی‌ان از آنها نام برد. «ای کاش به جای نوشتن مستطاب آتشیزی کتاب‌هایی با موضوعات دیگری را ترجمه می‌کرد.»

### اگر فرهنگستان زبان، نصف تبحر دریابندری را داشت

احمدپوری از آن رفقای است که تعصب زیادی درباره نجف دریابندری و ترجمه‌هایش دارد و معتقد است که اگر نصف تبحری را که او در معادل‌سازی کلمات داشت، فرهنگستان زبان داشت، تا این اندازه در پیشنهاد معادل کلمات موردتمسخر واقع نمی‌شد. «نجف معتقد بود که مثلاً اگر ماکروویو به ایران وارد شده است، کلمه پیشنهادی معادل برای آن در میان مردم جا نمی‌افتد، چون بالغت‌اش آمده و جا افتاده است. این نگرش بسیار



نقشه رستمی

### محمدعلی موحد، تاریخ‌نگار: هرگز چنین

سری را تیغ اجل نبرد/ کابین سرز سربلندی بر ساق عرش سایید. ۶۹ سال از آن روزی می‌گذرد که از سوی کارگزینی او را برای کار در اداره خبرهای روز آبادان، معرفی کرده بودند. گفتم خودش بیاید بینیمش. آمد. جوانی بود لاغراندام سرزنده، کمی خجالتی اما با اعتمادبه‌نفس. فرزاز و فرودهای زیادی داشت اما سرزندگی را هرگز گم نکرد که با بلوغ بیشتر و شوخ‌طبعی به نوشته‌هایش رونق و جلا می‌بخشید. هرچه بر دامنه اطلاعاتش می‌افزود، در طنزش هم منعکس می‌شد. او پیر شد اما نوشته‌هایش، تا مادامی که می‌نوشت

صورتی که این کتاب جست‌وجو و تحقیق جانانه و آبروی فرهنگی برای سرزمین ما است که سفرهای از ایران را به جهان معرفی کرد.»

عمیق و خوب نسبت به زبان فارسی در تمام ترجمه‌های او وجود دارد و من او را شیخ مترجمین نامیده‌ام. حساسیت نجف به زبان بالا بود و توصیه می‌کرد که به مردم و دور و ور خود گوش کنید، چون زبان همان است و در این حرف دانش زبان‌شناسی نهفته است. او معتقد بود که زبان، زبان کهنه کتابی نیست، بلکه زبان مردم به وجود می‌آورد و زبان‌شناسان آن را فرمولیزه می‌کنند.»

### نقدی که بر نمایش «قلندر خونه» نوشت

پدر سهراب، همسر فهیمه راستکار و مترجم قدیمی ایرانی گاهی وقت‌ها نقد هنری هم می‌نوشت و البته بهرام دبیری هم مثالی درباره آن گفت، اما گویا نقدی که در مجله فرهنگ و زندگی بر تئاتر ایرج صغیری، کارگردان و نویسنده بوشهری نوشته، حساسی توانسته است دنیای کارگردان را تکان دهد. قلندر خونه یکی از مهم‌ترین اجراهای دهه ۵۰ است که به زبان بوشهری در بوشهر و تهران اجرا شد. نجف در اجرای تهران به دیدن این نمایش رفت و بعد هم مقاله‌ای درباره آن با عنوان دوروی یک شهادت نوشت. «نجف تمام افکار من درباره راهی را که انتخاب کرده بودم، تکمیل کرد. من او را از سنین نوجوانی دیده بودم، اما سال‌ها بعد برای دیدن تئاترم آمده بود و بعد از اجرا کل گروه را به خانه‌اش دعوت کرد. از آن به بعد همیشه با نجف مشورت می‌کردم. «سیمین اگرامی، مجسمه‌ساز ایرانی هم درباره نجف، کتاب آتشیزی و روحیه شوخ طبعی‌اش صحبت کرد و اینکه حتی عبوس‌ترین آدم را هم مجبور به خندیدن می‌کرد.

### اگر طنز به دست مترجم ناشی می‌افتاد

اسدالله امرایی از نسل مترجمانی است که به قول خودش اول با آثار دریابندری آشنا شده و بعد او را نزد یک دیده‌است و به قول دریابندری «اول صدای او را شنیده و بعد سیمایش را دیده است». هر اثر تازه‌ای از دریابندری درواقع، معرفی تازه از یک نویسنده جدید برای این نسل از مترجمانی بود که با نوشته‌هایش با او آشنا شده بودند: «دریابندری مترجم مولف بود به این معنا که به زبان فارسی مسلط بود و لغت فارسی در دستش مثل موم بود، لغات زیادی ساخت و لغات زیادی را وارد زبان فارسی کرد.» دریابندری در همهٔ بخش‌های مختلف کتاب چنین‌کنند بزرگان از ویل کاپی نویسنده آمریکایی را به عنوان پاورقی برای چاپ در مجله خوشه به سردبیری احمد شاملو ترجمه می‌کرد و حتی شایع شده بود که نویسنده اصلی کتاب است اما بعدها که ارتباطات با دنیای بیرون گسترده شد، همه این شایعات رد شد. امرایی براساس بررسی‌هایی که درباره نویسنده و نسخه زبان اصلی کتاب داشته است، می‌گوید که بعد از کشف نویسنده اصلی فهمیدیم که اگرچه ویل کاپی طنزنویس ماهری بود، اما اگر این طنز به دست مترجم ناشی می‌افتاد، طوری که باید گل نمی‌کرد. ✎

### درگذشت

صدیقه کیانفر بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون

صدیقه کیانفر بازیگر پیشکسوت تئاتر، رادیو و تلویزیون صبح روز دوشنبه پنجم خردادماه در منزل شخصی خود به علت ایست قلبی درگذشت. او که متولد ۱۳۱۱ بود، فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۳۶ در رادیو شروع و در طول عمر هنری خود در آثار سینمایی متعددی ازجمله «هامون»، «آیازمان شماره ۱۱۳»، «مأموریت آقای شادی»، «همسرا»، «امن زمین را دوست دارم»، «ایفای نقش کرده بود»، «بچه‌های کوچک دوستی»، «هنگامه مفید»، «همه بچه‌های من» مرضیه برومند، «بی‌گناها»، «احمد امینی»، «میوه ممنوعه»، «حسن فتحی و «رسم عاشقی» سعید سلطانی نیز ازجمله مجموعه‌های تلویزیونی هستند که صدیقه کیانفر در آنها به ایفای نقش پرداخته بود. حضور در نمایش‌های «دریاچه پنهان»، مسعود دلخواه و «هایلایت» سوسن پرور از جمله تجربیات تئاتری زنده‌یاد کیانفر بودند. ✎



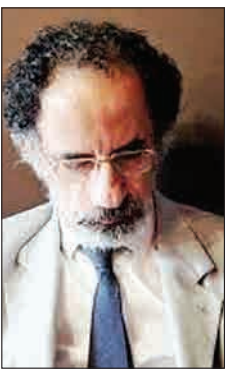
نقشه رستمی

### درگذشت

شاعر گل یخ

مهدی اخوان لنگرودی شاعر و نویسنده در سن ۷۵ سالگی از دنیا رفت. این خبر را برادر زنده‌یاد اخوان در گفتگو با ایسنا تایید کرد و گفت که شاعر ترانه معروف «گل یخ» قرار است در آرایش به خاک سپرده شود. مهدی اخوان لنگرودی که به دلیل عارضه مغزی پیش از یک‌ماه در بیمارستانی در اتریش بستری بود، سال ۱۳۴۴ در شهر لنگرود به دنیا آمده بود و نخستین دفتر شعریش با عنوان «سپیدار» در سال ۱۳۴۵ با مقدمه محمود پاینده لنگرودی منتشر کرده بود. بعد از آن مجموعه اشعاری چون «چوب و عاج»، «۱۳۶۹»، «آینوس بر آتش»، «۱۳۷۰»، «خانه»، «۱۳۷۵»، «سالی»، «۱۳۷۸» و «گل یخ» (برگزیده اشعار) «۱۳۷۸» را از این شاعر در بازار کتاب دیده بودیم.

«یک هفته با شاملو»، «خدا غم را آفرید، نصرت را آفرید»، «از کافه نادری تا کافه فیروز»، «ای دل بمیر یا بخوان» (ترجمه اشعار خوان رامون خمینسکی) و «بیار اینجا بر دل» و «رمان‌هایی چون «آنوبیس»، «درمان»، «پنجشنبه سبز»، «اریاب پسر»، «در خم آهن»، «الاتی تی» و «توسکا» دیگر کتاب‌های به‌جامانده از این شاعر، نویسنده و پژوهشگرند. ✎



نقشه رستمی

### ویژه

### ناکامی از «نسیم وصل» همایون



### شهروند

کنسرت «نسیم وصل» همایون شجریان از چند روز پیش انجام شده و حتی شرکت ایرانسل برای تماشای آنلاین این اجرا از مخاطبان مبلغ ۱۰ هزار تومانی دریافت کرده بود اما یکشنبه شب تماشای آن با مشکلاتی روبه‌رو شد و بسیاری از مخاطبان نتوانستند حتی وارد نرم‌افزار معرفی شده ایرانسل شوند. یکشنبه‌شب پس از اینکه بسیاری از خریداران حق عضویت در سامانه پخش آنلاین ایرانسل، از تماشای اجرا بازماندند، این اپراتور تلفن‌همراه اعلام کرد که مخاطب ۷۱۰ هزار نفری این اجرا در لحظات ابتدایی موجب غافلگیری و بروز اشکالاتی ازجمله قطعی چندین باره برنامه شده است. اختلالات به اندازه‌ای بود که پس از اجرای کنسرت، شرکت حامی برنامه اعلام کرد: «علاقه‌مندانی که به دلیل استقبال گسترده موفق به مشاهده این کنسرت نشدند، می‌توانند طی دو نوبت روزهای آینده، پخش مجدد آن را از طریق تلویزیون تعاملی لنز مشاهده کنند.» «نسیم وصل» یکی از اجراهایی بود که در روزهای پیش تبلیغات زیادی درباره آن در سراسر شهر انجام شد، بنابراین تعداد بالای مخاطب برای برگزارکنندگان کاملاً قابل پیش‌بینی بود، به‌ویژه اینکه بسیاری از مخاطبان خلاف کنسرت‌های آنلاین پیشین برای تماشای این اجرا حق عضویت پرداخت کرده بودند. اگرکنسرت مجلسی تهران به رهبری بردیا کیارستمی با همراهی همایون شجریان از چند روز پیش تمرینات خود را برای این اجرا آغاز کرده و اپراتور تلفن‌همراه ایرانسل هم انحصار نمایش آن را برعهده گرفته بود. ✎

### کتابخانه

● کتاب «من مضرب» از مجموعه کتاب‌های «زندگی بهتر» نوشته استفانی برتولون با ترجمه مائده هروی توسط نشر شمع‌دونی منتشر شده است. این کتاب در پی بیان جنبه‌های منفی فناوری نیست، بلکه می‌خواهد با راهکارهای خود نشان دهد که چگونه می‌توان در زندگی تعادل به‌وجود آورد. چگونه می‌توان از اینترنت، تلفن‌همراه و شبکه‌های اجتماعی در زندگی روزمره استفاده کرد و در عین حال دچار مشکلات کمتری شد. ✎

● هنرنوی خبزیستن «نوشته رولف دولبی با ترجمه فاطمه قره‌باقی و حمیدرضا زنجبیریان تازگی از سوی نشر آرزومان راهی بازار شده است. در نوشته پشت جلد کتاب آمده است: «سلام. اسم من رولفا است و من معتاد به اخبار هستم. من تا زمانی که ده‌ها هزار ساعت از عمرم را صرف خواندن اخبار کردم، به این موضوع بی‌نبرده بودم. از خودم دوسوال پرسیدم: «آیا اکنون جهان را بهتر از قبل می‌شناسی؟» و «اینکه «آیا الان می‌توانی تصمیم‌های بهتری بگیري؟» جواب هر دو منفی بود. طی دوره‌های زندگی‌ام کتاب‌های بی‌شماری درباره مدیریت زمان خوانده‌ام و بیش از ۱۰ مورد از پیشنهادهای خوبشان را در زندگی‌ام اعمال کرده‌ام و امروز به این نتیجه رسیدم که حذف اخبار از زندگی بهترین روش ذخیره زمان است.» ✎

● «سریاز شکلاتی» نوشته جرج برنارد شاو و «رمز موفق زیستن» نوشته دیل کارنگی با ترجمه سیمین دانشور توسط نشر روزنه به تازگی منتشر شده است. در نوشته پشت جلد «سریاز شکلاتی» آمده است: «این نمایشنامه مسخره‌ای است از جنگ. تخطئه انسانی است که سلاح به دوش می‌گیرد و خودش هم نمی‌داند چرا و برای چه و برای که کشتار می‌کند یا کشته می‌شود.» پشت جلد کتاب «رمز موفق زیستن» هم نوشته شده است: «هرقدر مایوس و بدبین و واژده باشید، با خواندن یکی دو تا از شرح حال‌های کوچک این کتاب آن قدرت و اراده را خواهید یافت که یکی دو ماه دیو یأس را از خود برانید و باراده شوید.» ✎

### منهای سینما

● اگرکنسرت‌های ملی ایران در ادامه اجراهای خانگی خود که با هدف قدردانی از کادر درمانی کشور صورت پذیرفته، قطعه «لالایی» را با همراهی رامین قلی‌اف نوازنده جهانی ساز تار کشور جمهوری آذربایجان منتشر کرد. ✎

● رزمینای یک نظرسنجی که در میان مخاطبان ۹۳ مرکز فرهنگی بریتانیا ازجمله رویال آلبرت هال، مرکز ساوت بانک، باربینکن، اپرای ملی انگلستان و مجموعه نمایشی اولدویک ارسال شده، تنها ۱۹ درصد حاضرند بعد از بازگشتی و قرنطینه به تماشای تئاترها، کنسرت‌ها و اپراها بروند. ✎

### دیالوگ

### سعید آقاخانی، کارگردان سریال «نون‌خ»: «تلاش ما این بود که کم‌دی یا شوخی‌هایی که در داستان و در دیالوگ کاراکترها مطرح می‌شود، همان چیزی نباشد که در فضای مجازی دیده‌ایم. نمی‌خواستیم همان شوخی‌هایی که در ارتباطات مردم در کوچه و خیابان رایج است را تبدیل به طنز سریال‌مان کنیم. از شوخی‌های معمول پرهیز کردیم و حتی تلاش کردیم که از فضای مجازی در طرح شوخی‌ها و طنزها، جلوگیری کنیم. فضای مجازی به نوبه خود شوخی‌های درجه یکی دارد و بامزه است. پس لزومی نداشت مادر سریال‌مان همان‌ها را تکرار کنیم. همچنین حواس‌مان بود چطور از کنار زنده‌رشد شویم تا هم قسمت غم‌بارش را نشان ندهیم و مردم اذیت نشوند و هم این قضیه را نمایش دهیم.» ✎



نقشه رستمی

● علیرضا محمودی ایران‌مهر، نویسنده: «ادبیات ما بیشتر به درون‌گرایی و ذهنیت‌گرایی‌ی‌رودارد. سینما کمتری می‌تواند از این جنس ادبیات استفاده کند و به گشش، اتفاق و ماجرا نیاز دارد. ادبیات داستانی معاصر ما کمتر واکنش محور است و کمتر در آن اتفاق‌هایی که ظرفیت سینمایی داشته باشد دیده می‌شود، به همین ترتیب سینما هم هنوز سازوکار خیلی قدرتمندی برای اینکه خواهد آثار ادبی را بخواند، فیلتر کند و داستان‌های مورد استفاده برای اقتباس را انتخاب کند، ندارد. سینما هم مشکلات، ضعف‌ها و کمبودهای خاص خود را دارد و سیستم قدرتمند و آدم‌هایی که توانمند باشند تا بتوانند این کار را انجام دهند، کم‌تر دارد.» ✎



نقشه رستمی